



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال چهاردهم، شماره ۴۴، پاییز ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۲۶-۲۰۹

علیت در زبان فارسی: مکتب سنت پترزبورگی باندارکو^۱

لیلا خان جانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

چکیده

ساختارهایی با مفهوم علیت- که تصور می‌رود در همه زبان‌ها وجود دارند، از جمله ابره‌های زبانی هستند که نه تنها در زبان‌شناسی بلکه در روان‌شناسی، منطق و فلسفه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، علمی که زبان و فعالیت‌های زبانی را در موقعیت‌های گوناگون با هدف‌های متفاوتی مورد بررسی قرار می‌دهد، همواره علیت را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی- تحلیلی است که چهارچوب نظری آن بر مبنای نظریه دستور کاربردی باندارکو (Бондарко, 1996) بنا شده‌است، بدون اینکه تحمیل ساخت زبان روسی بر زبان فارسی مورد نظر باشد. این مقاله به بررسی مفهوم علیت در جمله‌های مرکب وابسته‌ساز می‌پردازد. به بیان دیگر، تظاهر رابطه علیت در جمله‌های مرکب وابسته‌ساز علی، شرط، هدف و تقابل مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای دستیابی به این هدف، نگارنده برای توصیف جمله‌های مرکب با مفهوم علیت از محورهای کاربردی- معنایی باندارکو (همان) پیروی کرده‌است. بر مبنای نظریه باندارکو، محورهای کاربردی- معنایی نظامی از ابزارهای گوناگون زبانی (از جمله صرف، نحو، واژه‌سازی، واژه‌شناسی و همچنین تلفیق آن‌ها مانند واژگانی نحوی و موارد مشابه) است که بر مبنای اشتراکات و نقش‌های معنایی متقابل در یک محور جای می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: علیت، دستور کاربردی، جمله‌های مرکب

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2022.37189.2070

^۲ استادیار گروه زبان روسی، هیات علمی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران؛ lkhanjani@guilan.ac.ir

۱. مقدمه

از دیدگاه فلاسفه، همه چیز در طبیعت، جامعه، تفکر و به طور کلی در هر نظامی از جمله زبان به یک‌دیگر وابسته است. هر پدیده طبیعی علت و پیامد مشخصی دارد. انسان از مدت‌ها پیش سعی در توصیف وقایع داشته و به این مهم دست یافته است که هر آن‌چه در ذهن او بازتاب می‌یابد در سطح شناختی ثبت می‌شود؛ و در نهایت در سیستم نشانه‌داری به نام زبان جای می‌گیرد؛ در کلام عملی می‌گردد و در نتیجه برای دستگاه‌های بینایی و شنوایی قابل درک می‌شود. به باور تایلر (Taylor, 2002) زبان چیزی است که انسان باید بداند، دانشی است که باید در دوران کودکی فراگرفته شود. چنین دانشی بی‌گمان در ذهن کاربر خود جای دارد و هرگاه زبان را به کار می‌بریم ناگزیر دست به دامن آن می‌شویم (Taylor, 2002, p. 5). امروزه زبان‌شناسان به نقش ذهن به عنوان جایگاه زبان و نقش زبان‌شناس به عنوان فردی که در تلاش برای توصیف آن‌چه درون ذهن است، باور دارند. از آن‌جا که زبان بخشی از قوای شناختی ذهن است، صورت و نقش هیچ یک برتری نسبت به دیگری ندارد و تحلیل واحدهای دستوری بدون ارجاع به ارزش‌های معنایی بیهوده به شمار می‌آید (Okati, sanchuli, 2018, p. 220). رفتار زبانی ما بازتاب شناختی است که بر اساس تجربیات پیشین خود از جهان خارج کسب کرده و در ذهن ذخیره نموده‌ایم. در این میان، رابطه علیت نقش مهمی در شکل‌دهی تجربیات انسان و شناخت او از محیط پیرامونش بر عهده دارد. مفهوم علیت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم ذهنی بشر از دیدگاه شناختی است که در اندیشه هر انسان وجود دارد و اغلب در دستور زبان تمامی زبان‌ها بازنمایی می‌شود.

علیت رابطه بین پدیده‌ای (علت) و پدیده دیگر (معلول) است. واژه «علت» اسم است به معنای چیزی که رخ‌دادن آن منجر به تغییر در محل رخ‌داد می‌شود، یا اینکه «علت» به چیزی گفته می‌شود که سبب تأثیرگذاری بر چیز دیگری می‌شود. برخی نیز قید «بدون اختیار» را در تعریف علت آورده‌اند؛ یعنی «علت» چیزی است که موجب تغییر بدون اختیار در محل رخ‌دادن خود می‌شود (Maleki Esfahani, 2018, p. 398). به بیان دیگر، علت چیزی است که از وجودش وجود معلول و از نیستی‌اش، نبود معلول لازم آید (Sajjadi, 2000, p. 343). سبب چیزی است که وسیله رسیدن به چیز دیگر باشد (Ragheb Esfahani, 1992, p. 391). ولی در اصطلاح فلسفی آن چیزی را گویند که برای تحقق چیز دیگر ضروری است (Azdi, 2008, p. 606). از همین رو، می‌توان علت و سبب و در نتیجه علیت و سببیت را هم‌معنا دانست (Ibn Seiedeh, 2001, p. 95; Ibn Manzoor, 1994, p. 471; Firoozabadi, 1995, p. 587).

در این پژوهش، برای توصیف جمله‌های مرکب با مفهوم علیت از محورهای کاربردی-معنایی باندار کو پیروی خواهیم کرد. بر اساس نظریه باندار کو (Bondarko, 1996, p. 21-22)،

محورهای کاربردی-معنایی نظامی از ابزارهای گوناگون زبانی از جمله صرف، نحو، واژه‌سازی، واژه‌شناسی و همچنین تلفیق آن‌ها مانند واژگانی نحوی و موارد مشابه است که بر مبنای اشتراکات و نقش‌های معنایی متقابل در یک محور جای می‌گیرند. در محورهای کاربردی معنایی، هسته و اجزای فرعی از هم متمایز می‌شوند. در هسته محور، پدیده‌های زبانی مانند مقوله‌های دستوری و همه نشانه‌های دستوری آن قرار دارند. به بیان دیگر در ساختار هسته، معنای مقوله‌ای به روشنی دیده می‌شود. در اجزای فرعی، همه نشانه‌های دستوری به صورت کامل بروز پیدا نمی‌کند. بنابراین معنای مقوله در آن‌ها چند برابر ضعیف‌تر است. اجزای فرعی در کنار معنای مقوله‌ای، معانی دیگر مقوله‌های دستوری را نیز در خود دارند. برای بررسی جمله‌های مرکب وابسته‌ساز با مفهوم علیت، از روش توصیف زبان‌شناختی بهره بردیم. به این ترتیب جمله‌های مرکبی که در محورهای اصلی و فرعی قرار می‌گیرند، تعیین می‌شوند و تفاوت‌های پنهان ساختاری و معنایی این جمله‌ها و شباهت‌های آن‌ها مشخص می‌گردد.

تا آن جایی که نگارنده آگاهی دارد، در زبان فارسی به طور مشخص پژوهشی که بحث علیت را در جمله‌های مرکب وابسته‌ساز مطرح کرده باشد، انجام نشده‌است. با این وجود، در برخی از پژوهش‌هایی که در مورد زبان فارسی به انجام رسیده‌است، رد پای از توجه به این مهم مشاهده می‌شود. برای نمونه در زمینه علیت و سببیت، دبیر مقدم (Dabir Moghaddam, 1988)، گلفام (Gulfam, 2011)، زاهدی و خوشبخت (Zahedi & Khosbakht Qahfarkhi, 2010)، سالم و همکاران (Salem et al., 2010) پژوهش کرده‌اند.

۲. محورهای کاربردی و معنایی علیت

در ارتباطات علی-معلولی با ویژگی شناختی، علیت در ارتباط با مقوله منطقی و دستوری جای می‌گیرد. زیرا رویه توصیف یا همان روابط متقابل پدیده‌ها در اشکال زبانی خاص علیت و اغلب در سطح نحو بازنمایی می‌شود. معنای علیت در سطح نحو به کمک ابزارهای دستوری ایجاد می‌شود.

از دید دبیر مقدم (Dabir Moghaddam, 1988) ساخت‌های سببی به مجموعه جمله‌هایی گفته می‌شود که در آن شخصی، حادثه‌ای یا پدیده‌ای (سبب‌ساز) محرک و انگیزه‌ای می‌شود تا شخص دیگر یا شیئی (سبب‌پذیر) عملی را انجام دهد، پذیرای حالتی شود و یا در حالتی باقی بماند (Dabir Moghaddam, 1988, p. 19). وی از دید نحوی معنایی ساخت‌های سببی را به دو مقوله مرکب و ساده دسته‌بندی می‌کند. ساخت سببی مرکب ساختی است که همیشه دارای یک جمله پایه و یک جمله پیرو متمم باشد و سببی‌های ساده به ساخت‌هایی گفته می‌شود که عمل

سببی و پیامد آن مجموعاً به صورت یک جمله منفرد و ساده ابراز شود (Dabir Moghaddam, 1988, p. 48).

ساخت سببی مرکب در جمله‌واره‌های پیرو قیدی نمود پیدا می‌کند. منظور از جمله‌واره یا فراکرد، هر یک از جمله‌های ساده در جمله مرکب است (Natel Khanlari, 2009, p. 137). جمله‌واره پایه جمله‌ای است که در جمله مرکب، پایه عدم همراهی آن با پیوندهای وابستگی است. جمله‌واره پیرو جمله‌ای است که در سازمان جمله مرکب، یکی از ارکان یا اجزای جمله پایه است، بدون جمله پایه مفهوم کامل ندارد و به کمک جمله‌واره پایه مفهوم مفید پیدا می‌کند. جمله‌های پیرو بنا به مفاهیم و نقش‌هایی که در سازمان جمله پایه بر عهده می‌گیرند، خود به چند دسته گروه‌بندی می‌شوند: جمله‌های پیرو اسمی که قابل تأویل به مصدر (اسم) و یا صفت وابسته‌اند، جمله‌های پیرو وصفی که قابل تأویل به صفت وابسته‌اند و جمله‌های پیرو قیدی که قابل تأویل به مصدر به صورت هسته گروه‌های قید شرط، علت، زمان، تضاد و منظورند (Nobahar, 2010, p. 30-33).

محورهای کاربردی معنایی علیت از منظر زبانی و غیر زبانی قابل ارزیابی است. از دید غیر زبانی، مقوله‌های علت، پیامد، هدف، شرط و تقابل را می‌توان بازتاب جبری پدیده‌های واقعی، تأثیر آن‌ها بر یک‌دیگر و نظم حاکم در بین آن‌ها دانست. از دید زبانی، بدون توجه به قواعد فلسفی، جایگاه مرکزی در این ساختارها بی‌شک مقوله علت است. نزدیکی محورهای علیت یعنی معانی چون علت، شرط، پیامد و تقابل از مدت‌ها قبل مورد توجه قرار گرفته‌است. در پژوهش‌های زبان‌شناسی قرن ۱۹، شرح و توصیف علیت و قیود گزاره‌ای علت، شرط، پیامد و تقابل بی‌واسطه در کنار یک‌دیگر آمده‌است. در حالی که قیده‌های گزاره‌ای دیگری همچون زمان و مکان در کنار علیت توصیف نشده‌اند. این خود دلیلی بر نزدیکی معانی علت، شرط، پیامد و تقابل به علیت و دور بودن معانی زمان و مکان از آن است. به بیان دیگر، جمله‌های پیروی علت، شرط، هدف و تقابل در پیوند با عنوان علیت شناسایی شده‌اند اما از دیدگاه داویدف (Davidov, 1853, p. 360) علت، خود در کنار مجموعه بزرگ‌تری به نام چگونگی انجام عمل جای می‌گیرد. نیمه دوم قرن ۲۰ کروچکف و ماکسیمف (Крючков & Максимов, 1996) جمله‌های مرکب شرط و هدف، جمله‌های مرکب با پیرو علت، پیامد و تقابل را در کنار یک‌دیگر قرار دادند (Крючков & Максимов, 1996, p. 80-136)، ولی والگینا (Volguina, 1973) جمله‌های پیرو کیفیت، مقدار و درجه، مقایسه، شرط، تقابل، پیامد و هدف را در یک ردیف قرار داده است. (Volguina, 1973, p. 288-341). در این دوره هنوز طبقه‌بندی معنایی جمله‌های پیرو شکل

نگرفته بود (Belashapkova, 1977, p. 222-224).

در نیمه نخست قرن بیستم، طبقه‌بندی ویژه‌ای از قید علیت ارائه شد که آن را به انواع قیده‌های درونی (که از ویژگی‌های خود رویداد بودند) و قید برونی (که به شرایط رویداد - زمان و مکان - اشاره داشت) دسته‌بندی می‌کرد (Galkina-fedurok, 1939, p. 27-28). در نیمه دوم قرن بیستم، تعریف‌های محتوایی و زبان‌شناختی از معنای علیت که همان معانی شرط و هدف، تقابل و موارد مشابه را دربر داشت، ارائه شد. در واقع، از این تعریف‌ها یک نوع بودن و در یک ردیف بودن آن‌ها برداشت می‌شد و بدیهی به نظر می‌رسید که یک طبقه زبانی جداگانه‌ای را تشکیل دهند. رویدادی، گزاره یا و انتزاعی بودن از ویژگی‌های علیت شمرده می‌شد. هر چند این تعریف بسیار کلی بود. زیرا هر کدام از معنای علیت به‌طور یکسانی انتزاعی نیستند و از طرفی مفاهیمی همچون زمان و نحوه انجام عمل نیز ماهیتی انتزاعی دارند. با توجه به انتزاعی و گزاره‌ای بودن علیت گروه‌واژه‌هایی چون «به خاطر مادرم»، «به خاطر قطار»، «به خاطر کتاب» را می‌توان از ابزارهای ضمنی بیان علیت دانست. آروتونوا (Artunova, 1976) بیان می‌کند اگر در بیان علت پدیده‌ای، شرح آن محدود شود، آن‌گاه درک آن خبر تا اندازه زیادی به حدس و گمان مخاطب بستگی دارد (Artunova, 1976, p. 123). برای نمونه، از جمله

۱. «به خاطر کتاب دیر کردم» می‌توان حدس زد:

۱. الف) به خاطر آنکه برای تحویل کتاب به کتاب‌خانه رفته بودم، دیر کردم.

۲. ب) به خاطر آنکه دنبال کتابم می‌گشتم، دیر کردم.

۳. پ) به خاطر آنکه کتاب‌هایم را در کتاب‌خانه مرتب می‌کردم، دیر کردم.

۴. ت) به خاطر آنکه برای خرید کتاب رفته بودم، دیر کردم...

برای توصیف انتزاعی و رویدادی بودن علیت باید دقت بیشتری به خرج داد. مفاهیم انتزاعی همچون علت، شرط، هدف و موارد مشابه رویدادهای معنایی هستند. از این رو، رویداد «او بیمار است» را نمی‌توان به تنهایی برای اشاره به علیت به کار برد، بلکه در ترکیب با رویدادی دیگر، مفهوم علیت را انتقال می‌دهد. «او بیمار است، به سرکار نرفته است». به بیان دیگر کوچک‌ترین ساختار معنایی علیت دو رویدادی است.

ارتباطی که بین رویدادها در روابط علیتی برقرار می‌شود، یک سویه و وابسته‌ساز است. (Apresian, 1969, p. 35) مفهوم وابستگی به کمک ابزارهایی همچون حروف ربط جمله‌های مرکب وابسته‌ساز (زیرا، اگر، به خاطر، علی‌رغم و موارد مشابه) بیان می‌شود. در جمله‌هایی با چنین ساختارهایی، وابستگی به صورت سبب‌ساز و سبب‌پذیر نمود می‌یابد. برای نمونه، در ساختار دو

رویدادی «او بیمار است، به سرکار نرفته است»: رویداد اول (او بیمار است) سبب‌ساز و رویداد دوم (به سرکار نرفته است) سبب‌پذیر است.

ساختارهای دو رویدادی مانند «او نمی‌آید چون بیمار است، اگر بیمار باشد، پس نمی‌آید، او نمی‌آید پس بیمار است»، مفهومی تلفیقی دارند و دو رویداد را به صورت یک واحد شرح می‌دهند و از هر بخش آن به طور جداگانه مفهوم علیت برداشت نمی‌شود. این مفهوم تلفیقی علیت، تفزون بر ساختارهای دورویدادی، می‌تواند با ساختارهای پیچیده‌تری نیز بیان شود. به بیان دیگر ساختارهای دورویدادی که خود به ساختارهای کوچک‌تری دسته‌بندی می‌شوند. برای نمونه، (۱) من به سینما نرفتم (۲) حالم خوب نبود (۳) چون دیشب زیر باران بودم (۴) سرتاپا خیس آب شدم. به این ترتیب می‌توان گفت: {۱→۲→[۴]→۳}

تمایز ساختارهای دو رویدادی با مفهوم علیت از دیگر ساختارهای دو رویدادی بسیار پیچیده است. برای نمونه، معنای زمان نسبی که جمله‌های مرکب وابسته‌ساز مانند «هنگامی که روزنامه می‌خواندم، مادرم شام می‌پخت» بیان می‌کند، با وجود دورویدادی بودن، مفهوم علیت را در خود ندارد. برای تبیین تفاوت جمله‌های دو رویدادی با مفهوم زمان از جمله‌های دورویدادی با مفهوم علیت، کافی است همه ابزارهای بیان زمان را مورد بررسی قرار دهیم. برخی از ابزارهای دورویدادی با مفهوم زمان می‌توانند رنگ و لعاب معنای علیت را داشته باشند. مانند: «وقتی بیمار می‌شوم، دوستانم به عیادتم می‌آیند»؛ «هر وقت اولین حقوقم را دریافت کردم، برای مادرم هدیه‌ای می‌خرم». انواع جمله‌های مرکب با پیرو قیاس و مقایسه هم در چارچوب معنای علیت قرار می‌گیرند. برای نمونه، «در گونه چپش سرخی نمایان بود، انگار سیلی محکمی به او زده باشند»؛ «هر چه خورشید بالاتر می‌رفت، هوا گرم‌تر می‌شد». در همه انواع این جمله‌ها باید رابطه سبب‌ساز و سبب‌پذیر مورد توجه قرار گیرد.

پیش‌تر صحبت از معنا در حوزه علیت بود. اکنون به بررسی صورت‌های گوناگون بیان علیت و محورهای کاربردی آن می‌پردازیم. اگر ابزارهای بیان علیت را به دو دسته اصلی (تخصصی) و فرعی (غیر تخصصی) دسته‌بندی کنیم، در معنای محدود و جزئی دستوری، ابزار اصلی علیت حروف ربط اگر، زیرا، هرچند، علی‌رغم اینکه، تا اینکه، بنابراین و موارد مشابه است. همچنین گروه حروف اضافه‌ای به خاطر، به لطف، از روی (از روی احترام)، از (از ضعف و پیری) و اشکال صرفی و نحوی مانند وجه شرطی افعال و وجه نحوی شرط، تقابل و مواردی از این قبیل را می‌توان نام برد. در معنای وسیع و عمومی، تخصصی بودن موارد بیشتری را در بر می‌گیرد. حتی واژگانی همچون هدف، شرط، نتیجه، خود از ابزارهای لغوی بیان علیت به شمار می‌آیند. برای نمونه، «با

یک هدف به خانه پدری سر می‌زد و آن خوابیدن بود».

قابلیت معنایی ابزارهای اصلی در بیان علیت بسیار زیاد است، ولی نباید آن‌ها را در مقابل ابزارهای فرعی، مطلق در نظر گرفت. در صورتی ابزارهای اصلی در جمله به صورت آشکار نمایانده می‌شوند که انتقال معنای علیت به وسیله ابزارهای فرعی به دلیل کمبود اطلاعات درون‌متنی، نبود موقعیت گفتار و عدم وجود پیش‌فرض‌ها مشکل و یا غیر ممکن باشد. برای نمونه، امکان توصیف ساختارهای دورویدادی مانند «او سر کار نیامده است. مادرش مریض بود»، که انتقال ساده دو رویداد است، مفهوم علیت به کمک عامل‌هایی همچون متن، پیش‌فرض و یا موقعیت گفتار امکان‌پذیر است. بنابراین بهره‌گیری از ابزارهای تخصصی الزامی نیست.

برتری ابزارهای اصلی در مقابل ابزارهای فرعی را می‌توان تفاوت در قابلیت معنایی ابزارهای اصلی دانست. به بیان دیگر ابزارهای اصلی از نظر قابلیت‌های معنایی شبیه به هم نیستند. ابزارهای اصلی بیان علیت، جمله‌های مرکب وابسته‌ساز با پیرو شرط، هدف، پیامد و تقابل (جمله‌های پیرو قیدی)، جمله‌های ساده با قید علیت هستند که باحالت حرف اضافه‌ای و مفعول غیر صریح (قید مرکب) و یا به کمک قیده‌های مؤول بیان می‌شوند. با در نظر گرفتن این موضوع که همه ابزارهای بیان علیت از قبیل اصلی و فرعی دست‌کم از دو بخش معنادار تشکیل شده‌اند، از دیدگاه نگارنده سه ابزار بیان علیت از این قرار است: یکم، جمله‌های پیرو قیدی؛ دوم، قید مرکب؛ سوم، قید مؤول. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد جمله پیروی قیدی، جمله‌ای است که به کمک پیوندهای قیدی به جمله‌واره پایه وابسته می‌شود و فعل جمله پایه را به زمان، مکان، علت، شرط، منظور و برخی ویژگی‌های قیدی دیگر مقید می‌سازد (Nobahar, 2010, p. 37). ابزار دیگری که برای بیان علیت به کار می‌رود، گروه اضافی است. از ترکیب یک حرف اضافه با یک گروه اسمی ساخت گروه‌های اضافی شکل می‌گیرد. گروه‌های اسمی نقش متمم را برای حروف اضافه بازی می‌کنند، ولی از دید معنایی و شناختی می‌توان گفت که حروف اضافه در حقیقت بیانگر نوعی رابطه بین دو عنصر از جنبه جهت ابعاد مکانی و زمانی و یا چگونگی ایفای نقش دو گروه اسمی در رخداد فعلی‌اند (Gulfam, 2011, p. 37). از این رو، نگارنده در ابزارهای بیان علیت، از جنبه ایفای نقش این گروه‌های اضافی، از آن به عنوان قید یاد کرده و از جنبه نوع واژه، آن را مرکب می‌داند. از دید خیام‌پور (Khayyampour, 2018) پاره‌گفته‌هایی مانند «به علت»، «به استثنای»، «در حق»، «به استقبال»، «از ترس» و موارد مشابه را نباید از حروف اضافه شمرد زیرا جز اینکه اسم‌هایی هستند مضاف و مدخول حرف اضافه، ویژگی دیگری ندارند و اگر نامی به آن‌ها باید داد، نام قید «مرکب است» (Khayyampour, 2018, p. 109). ابزار دیگر بیان علیت

قید مؤول است. جمله قیدی که به مفرد تأویل می‌یابد و به یکی از حروف ربط مصدر است (Ibid, p. 93) در نمونه زیر تا «دل دوستان به دست آری» یعنی برای به دست آوردن دل دوستان که قید علت است.

۲. (تا دل دوستان به دست آری) بوستان پدر فروخته به

از سه مورد مورد اشاره، جمله‌های پیروی قیدی بیشترین و قیده‌های مؤول کمترین قابلیت معنایی بیان علیت را دارا هستند. روشن است که جمله‌های پیرو در جایگاه اصلی بیان علیت قرار دارند. زیرا جمله به عنوان یک واحد گزاره‌ای، همه اجزای یک رویداد با قابلیت معنایی علیت را می‌تواند در خود داشته باشد. قابلیت معنایی قیده‌های مرکب محدود به جریان عمل، موقعیت و نشانه‌های عمل می‌شود. قابلیت قیده‌های مرکب قابل مقایسه با قیده‌های مؤول نیست. تعداد محدود قیده‌های مؤول علیت، خود، گواه این واقعیت است.

محورهای کاربردی معنایی جمله‌های مرکب وابسته‌ساز با مفهوم علیت خود از چندین محور کاربردی معنایی مانند علت، شرط، هدف، تقابل و پیامد تشکیل شده‌است. مفهوم علیت در زبان‌شناسی، رابطه علی-معلولی در معنای وسیع کلمه است. نظام ساخت‌های علیتی با تکیه بر نظام علت و معلولی بخشی از شناخت عام انسان به شمار می‌آید. به بیان دیگر یک رخداد پایه تحقق رخداد دیگر است. بنابراین، هسته محورهای کاربردی معنایی جمله‌های مرکب وابسته‌ساز با مفهوم علیت، جمله‌های مرکب علی هستند. مفهوم علت و رویداد علی پایه و اساس علیت را شکل می‌دهد. پس هر جمله علی تلفیقی از دو مفهوم علت (سبب) و تأثیر (نتیجه) آن در انجام عملی یا روی دادن حالتی است. رویداد علی، مفهوم علیت را به شکل خالص و ساده آن بیان می‌کند و در یک وابستگی مستقیم در جمله پیرو، رویداد پیامد (نتیجه) را تولید می‌کند. در مقایسه با دیگر انواع نسبت‌های نحوی، مانند شرط، هدف، تقابل و پیامد، علت مرکز مطلق مفهوم علیت است.

جمله‌های مرکب وابسته‌ساز علی به دو گروه دسته‌بندی می‌شوند: در جمله‌های مرکب وابسته‌ساز علی گروه اول، جمله پیرو رخدادی است که رخداد جمله پایه را تولید می‌کند، به بیان دیگر جمله پیرو، علت جمله پایه را بیان می‌کند. مانند: «همه حاضرین لبخند به لب دارند، چون از همه چیز مطلع هستند». در گروه دوم در ساختار جمله مرکب علی، جمله پیرو علت را بیان نمی‌کند، بلکه پیامدی را در برمی‌گیرد که در نتیجه جمله پایه به وجود آمده‌است. «او کارمند محبوب رئیسش بود، چون به سرعت به درجات بالا در اداره دست یافت».

جمله‌های مرکب با پیرو علت بر خلاف برخی از انواع دیگر جمله‌های وابسته، تطابق کاملی با عنصر متمم قیدی علت در جمله ساده دارند. جمله‌های پیرو علت به کمک حروف ربط چون،

چون که، زیرا، زیرا که، از آن جاکه، برای آنکه، چراکه و برخی دیگر به جمله پایه می پیوندند. جمله‌های مرکب وابسته‌ساز با معنای شرط به ساختارهایی گفته می شود که در آن تحقق یک پدیده مشروط و وابسته به پدیده دیگر است و اساس ارتباط بین پدیده‌ها (سبب‌ساز و سبب پذیر) تلازمی است. ملازمه و وابستگی تحقق فعل پایه به تحقق فعل در جمله پیرو است. همان گونه که در جمله مرکب شرطی «اگر کار کنی، موفق می شوی» کار کردن شرط و لازمه موفق شدن دانسته شده است (Mogharrebi, 1996, p. 39-40).

وجود رابطه سببی بین جمله پایه شرط و جمله پیرو شرط نمایانگر آن است که جمله پیرو، سبب و جمله پایه مسبب آن است ولی گاهی این رابطه معنایی به صورت معکوس نمود می یابد. به این ترتیب، جمله پایه، سبب و جمله پیرو شرط، در نتیجه آن به وجود می آید. «اگر خرج بسیار می کند، پول فراوان دارد» (Mogharrebi, 1996, p. 43)

از نشانه‌های دستوری معنای مقوله‌ای شرط می توان به حرف شرط، نمود، زمان و وجه افعال جمله‌های پیرو و پایه نام برد. در بیان مفهوم شرط ارتباط نمود، زمان و وجه افعال جمله پایه و پیرو بسیار اهمیت دارد. به باور بدنارسکایا (Bednarskaya, 1983) شرط و جواب شرط یک احتمال و یا یک پیش گویی است که ارتباط منطقی اعمال را از قبل خبر می دهد (Bednarskaya, 1983, p. 56). وحیدیان کامیار (Vahidian Kamyar, 1985) شرط را در سه قسم محال یا فرضی، امر محتمل و شرط ساده مورد بررسی قرار می دهد (Vahidian Kamyar, 1985, p. 44-45). از دید محتشمی (Mohtashemi, 1991) جمله‌های شرطی به سه دسته گروه بندی می شوند: «جمله شرطی که انجام یافته اندیشیده می شود»، «انجام جمله شرطی نامعلوم و احتمالی است» و «جمله شرطی قطعاً انجام نیافته یا انجام یافتن آن غیر ممکن است» (Mohtashemi, 1991, p. 331-335).

ابن رسول (Ibn Rasul, 2016) رابطه سببیت را به سه گونه دسته بندی می کند: ۱. شرط، علت تحقق جواب است؛ مانند «اگر خورشید طلوع کرد، روز موجود است». ۲. جواب علت تحقق شرط است؛ مانند «اگر روز موجود باشد، خورشید طلوع کرده است». ۳. شرط و جواب، معلول علت سومی است؛ مانند «اگر روز موجود باشد، جهان روشن است» (Ibn Rasul, 2016, p. 96). همان گونه که پیش تر اشاره شد رابطه معنایی بین شرط و جواب شرط از نوع سببی و یا سببی معکوس است.

در جمله‌های مرکب با پیرو هدف به مقصود عملی که در مورد آن در جمله پایه گفته شده، اشاره می شود. به بیان دیگر جمله وابسته را که دلالت بر آن دارد که برای چه و با چه هدفی عمل

جمله پایه صورت می‌گیرد، جمله پیرو هدف می‌نامند (Rubinchik, 2001, p. 689). به باور زمسکوا (Zemskaya, 1991) در موقعیت علیتی هدف، رخدادهای سبب‌ساز و سبب پذیر به مانند موقعیت علیّی از هم جدا نمی‌شوند و یک موقعیت واحد به نام هدف را شکل می‌دهند که در نقطه مقابل آن ابزارها و روش‌هایی وجود دارند که به کمک آن‌ها، هدف موردنظر تحقق می‌یابد (Zemskaya, 1991, p. 15-16). بلند حرف می‌زدیم که فرنگیس را متوجه خود کنیم (Alawi, 2020).

به باور نگارنده، در جمله‌های مرکب با پیرو هدف، مفهوم علیت به این شکل نمایان می‌شود: در جمله پیرو ارتباط تنگاتنگی بین پدیده علت (سبب‌ساز) و پدیده هدف (سبب پذیر) برقرار می‌شود. به بیان دیگر در جمله پیرو، رخداد علت و پیامد در گزاره به هم می‌پیوندند و در جمله پایه به ابزارهای تبدیل علت به پیامد اشاره می‌شود. از نشانه‌های معنایی و دستوری هدف، حروف ربط هدف (تا، برای آنکه، که و موارد مشابه)، وجه التزامی فعل در جمله پیرو، گزاره‌هایی در جمله پایه که به عملی پویا اشاره دارند و همچنین ساختارهایی با مفهوم بایستن در جمله پایه می‌توان اشاره کرد. مانند: «بالاخره پول لازم است تا در خانه جدید مستقر شویم».

در موقعیت علیتی تقابل، ارتباط علت و پیامد بسیار پیچیده است؛ زیرا علت (سبب‌ساز) با پیامد (سبب پذیر) در ارتباط مستقیم قرار ندارد. پیامد با علت یا شرط دیگری برای دست‌یابی به نتیجه در ارتباط است، به بیان دیگر علت و شرط در جمله‌های مرکب وابسته‌ساز تقابلی با شرط و علت قوی‌تری جایگزین می‌شوند. برای تبدیل جمله‌های پیرو تقابلی به جمله‌های پیرو شرطی یا علیّی از گزاره منفی در جمله پایه استفاده می‌شود تا شرط یا علت برای پیامدی که در جمله پایه آمده است، کافی باشد. مانند: «شیرین با آنکه زیاد خسته بود، خوابش نمی‌برد» (Okhovvat, 1948) (مقایسه شود با اگر شیرین زیاد خسته بود، خوابش می‌برد.) و «باوجودی که بنیه مالی او چندان قوی نبود، گاهی میل می‌کرد، به یکی از رستوران‌های خارج برود». (Jamaljadeh, 2000) (چون بنیه مالی او چندان قوی نبود، هرگز میل نمی‌کرد به یکی از رستوران‌های خارج برود)

بنابراین، جمله پیرو تقابل به معنای در دسترس نبودن علت یا شرطی است که پیامد با آن همخوانی ندارد و یا در مقابل آن قرار می‌گیرد.

جمله‌های تقابلی از نظر معنایی که بیان می‌کنند به دو نوع گروه‌بندی می‌شوند: جمله‌های تقابلی نوع اول پدیده‌هایی را تأیید می‌کنند که می‌توانسته‌اند مانع از انجام عمل جمله اصلی شوند، اما نشده‌اند. جمله‌های تقابلی نوع دوم بر تعمیم، بازنمایی بیشینه آن‌چه می‌توانسته مانع از انجام عمل جمله اصلی شود، ولی نشده است، اشاره دارند. این تفاوت در معانی دو نوع جمله‌های پیرو به

کمک کاربرد حرف ربط مختلف بیان می‌شود. جمله‌های پیرو نوع اول، به کمک حروف ربط تقابلی «اگرچه»، «هرچند»، «هرچند که»، «باوجود آنکه»، پیوسته می‌شوند. انتخاب شکل زمان و وجه فعلی جمله اصلی و پیرو به مضمون خبری که در کل جمله مرکب آمده‌است، بستگی دارد. «در جمله‌های مرکب با پیرو تقابلی، اعمال جمله اصلی و فرعی در مقابل یکدیگر قرار داده می‌شوند. این مقابله به کمک حرف ربط استثناء (اما، لکن و موارد مشابه) در آغاز جمله اصلی در صورتی که جمله اصلی پس از جمله پیرو تقابلی آمده باشد، بیان می‌شود: اگرچه تمام روز را محبوس بودیم ولی در اردوی خودمان آزادی داشتیم» (Rubinchik, 2001, p. 668). حرف ربط استثناء در جمله‌های مورد بررسی، دارای نقش تأکیدی است و مفهوم تقابل مضمون جمله اصلی را در مقابل آن چه انتظار آن می‌رفته است، ضمن قضاوت بر روی مضمون جمله پیرو تشدید می‌سازد. جمله‌های پیرو تقابلی نوع دوم به کمک حروف ربط «هرچند (که)»، «هر چه قدر»، «هر چه»، «هر که» و موارد مشابه پیوسته می‌شوند و پیش از جمله اصلی قرار می‌گیرند. این نوع جمله‌های پیرو دارای مشخصه عمومیت هستند و بنابراین، می‌توان آن‌ها را جمله‌های تعمیمی تقابلی خواند. (Rubinchik, 2001, p. 669)

میان کاربرد زمان‌های فعلی در جملات پیرو شرطی و تقابلی شباهت وجود دارد. اگر عمل جمله اصلی و جمله تقابلی به زمان حال و یا آینده مربوط باشد، در آن صورت، گزاره فعلی جمله تقابلی در یکی از زمان‌های وجه التزامی (ماضی نامعین و یا ماضی التزامی) قرار می‌گیرد و گزاره فعلی جمله اصلی در زمان مضارع مبهم و یا آینده مطلق می‌آید. مانند «من هر که باشم از شما تقاضا دارم.» (Alawi, 2020). بنابراین از نشانه‌های معنای مقوله‌ای تقابل، نظام حروف و واژه‌های ربط تقابل، ارتباط زمان و وجه فعل‌ها در گزاره‌های فعلی جمله‌های پیرو و پایه می‌توان دانست. مهم‌ترین معنای مقوله‌ای تقابل، ارتباط صورت‌های زمانی، ساختمان‌های وجهی گزاره‌هاست. زمان گذشته و آینده در جمله‌های پیرو بر ناکافی بودن علت و یا شرط اشاره دارند.

در جمله‌های مرکب وابسته‌ساز با پیرو پیامد و نتیجه بین علت (سبب‌ساز) و پیامد (سبب پذیر) ارتباط تنگاتنگ ضرورت وجود دارد؛ زیرا شاخصه اصلی روابط پیامدی که نتیجه است در این ساختارها ضروری است. جمله‌های وابسته‌ای که نتیجه به دست آمده از مضمون جمله اصلی را بیان می‌دارند، جمله‌های پیرو پیامد می‌خوانند. از نشانه‌های معنای مقوله‌ای پیامد در جمله‌های مرکب وابسته‌ساز، حروف ربط هستند. جمله‌های پیرو پیامد همیشه پس از جمله پایه می‌آیند و به کمک حروف ربط «که»، «به طوری که»، «چنان که» به آن پیوسته می‌شوند. نقش دستوری جمله پیرو در این صورت از مضمون کل جمله مرکب وابسته و در وهله اول از جمله پیرو مشخص می‌شود. برای

نمونه، «با ملایمت و شیرینی به من جواب داد که من خواهی نخواهی مجبور بودم رام شوم.» (Alawi, 2020).

هسته انواع جمله‌های مرکب وابسته‌ساز با مفهوم علیت (از قبیل جمله‌های وابسته‌ساز علت، شرط، هدف، تقابل، تقابل تعمیمی و پیامد) ساختارهایی هستند که در آن‌ها هر یک از معانی نامبرده، به طور کامل محقق می‌شوند و معانی دیگری وجود ندارند. محورهای فرعی جمله‌های وابسته‌ساز علیتی ساختارهایی هستند که در کنار معنای مقوله‌ای مورد اشاره، دیگر معانی را نیز در خود دارند. برای نمونه، در ساختارهای علی در کنار معنای مقوله‌ای علت، معنای پیامد، در ساختار شرط، معنای علت، تقابل، هدف و حتی دیگر معانی ساختارهای جمله‌های مرکب وابسته‌ساز گزاره‌ای، توضیحی، مکانی، زمانی، قیاسی، کیفیت و حالت، مقدار، استثناء نیز بیان می‌شود. محورهای فرعی جمله‌های مرکب وابسته‌ساز علی، ساختارهایی هستند که در آن‌ها غیر از معنای علت، معنای پیامد نیز تحقق می‌یابد.

محورهای فرعی جمله‌های مرکب وابسته‌ساز شرط، ساختارهای علی-شرطی، تقابلی-شرطی، هدف-شرطی، زمان-شرطی، خبر شرطی، توصیفی-شرطی هستند. محورهای فرعی جمله‌های مرکب وابسته‌ساز هدف، ساختارهای کاربردی معنایی هستند که در آن‌ها معنای هدف با معنای مقوله‌ای علت، مقایسه، گزاره و توصیف بیان می‌شود. محورهای فرعی جمله‌های مرکب وابسته‌ساز تقابلی معنای وابستگی آشکارا بیان نمی‌شود، ولی محورهای فرعی جمله‌های وابسته‌ساز تقابلی-تعمیمی، جملاتی با معنای مکان، زمان، گزاره و توضیحی هستند. از جمله محورهای فرعی جمله‌های مرکب وابسته‌ساز پیامد می‌توان به ساختارهایی با معنای مقدار، حالت، درجه و اندازه را نام برد.

بنابراین محورهای کاربردی معنایی جمله‌های مرکب وابسته‌ساز با مفهوم علیت که هسته آن را جمله مرکب علی تشکیل می‌دهد، یک نظام بسیار پیچیده است که قابلیت معنایی بالایی دارد و منجر به تعمیم و گسترش گونه‌های دیگر جمله‌های مرکب وابسته‌ساز به وسیله ارائه ظریف‌ترین معنای کاربردی معنایی و ارتباط متقابل با ساختارهای علی، شرط، هدف، تقابل و پیامد و همچنین ارتباط با دیگر انواع ساختارها مانند گزاره‌ای، توضیحی، مکانی، زمانی، مقایسه‌ای، مقدار، کیفیت و موارد مشابه می‌شود.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

تردیدی نیست که رابطه علیت بین رویدادها یکی از نخستین استنباطات بشر در جریان مشاهده و درک محیط اطراف خود بوده‌است. رابطه علیت دارای دو طرف علت و نتیجه است. به همین

سبب در جمله‌های مرکب از وابسته‌ساز و در جمله‌واره پیرو از علت عمل، یا حقیقت موجود در جمله‌واره پایه سخن گفته می‌شود. در خود جمله‌واره پایه نیز نتیجه آن عمل نوشته شده‌است. رابطه علیت همیشه به وسیله جمله‌های مرکب وابسته‌ساز با پیرو علی بیان نمی‌شود. این رابطه به شکل‌های مختلف ظهور می‌یابد. گاهی به صورت جملات مرکب وابسته‌ساز با پیرو علی، گاهی با پیرو نتیجه و گاهی نیز با پیرو شرط، هدف و یا تقابل نمایان می‌شود. در جملات فارسی با اندک تغییری در زمان، شکل گزاره‌ها و حرف ربط در جملات پیرو علی، نتیجه و هدف می‌توان آن‌ها را به هم تبدیل کرد. رابطه معنای بین جمله‌واره پایه و پیرو شرطی همان رابطه بین علت و نتیجه است. آنچه به‌عنوان شرط بیان می‌شود، در حقیقت باعث حصول آن چیزی می‌شود که در جمله‌واره پیرو از آن صحبت شده است. در واقع شکل شرط چیزی جز علت نیست زیرا تحقق‌پذیری شرط باعث حصول نتیجه می‌شود. در جمله‌واره پایه جملات مرکب وابسته‌ساز تقابلی از حقیقتی صحبت می‌شود که خلاف و عکس آن را می‌توان از جمله پیرو انتظار داشت. در واقع به‌طور تلویحی دلالت بر وجود رابطه علیت بین دو جمله‌واره پیرو و پایه دارد. در جمله‌واره پیرو تقابلی، عاملی که نقش علت را بازی می‌کند، ذکر می‌شود و در جمله‌واره پایه نتیجه آن علت بیان می‌شود؛ اما آن نتیجه، نتیجه معکوس است.

با بررسی محورهای کاربردی معنایی جملات مرکب وابسته‌ساز با مفهوم علیت، هسته آن جملات مرکب علی در نظر گرفته شد؛ زیرا مفهوم علت و رویداد علی پایه و اساس علیت را شکل می‌دهد. پس هر جمله علی تلفیقی از دو مفهوم علت و نتیجه آن در انجام عملی یا روی دادن حالتی است. رویداد علی، مفهوم علیت را به شکل خالص و ساده آن بیان می‌کند و در یک وابستگی مستقیم در جمله پیرو، رویداد پیامد (نتیجه) را تولید می‌کند. در مقایسه با دیگر انواع نسبت‌های نحوی، نظیر شرط، هدف، تقابل و پیامد، علت مرکز مطلق مفهوم علیت است.

فهرست منابع

- ابن الرسول، سید محمدرضا، سمیه کاظمی نجف‌آبادی و مه‌ری کاظمی (۱۳۹۵). «رابطه معنایی جمله‌واره پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی». *ادب فارسی*. دوره ۶. شماره ۱. صص ۹۳-۱۱۲.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱). *المحکم والمحیط الاعظم*. ج ۱. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. ج ۳. بیروت: دار صادر.
- اخوت، مهدی (۱۳۲۷). «سیب سرخ». *پیام نو*. دوره ۲. شماره ۵. صص ۱-۷.
- ازدی، عبدالله بن محمد (۱۳۸۷). *کتاب الماء*. ج ۱. تهران: دانشگاه علوم پزشکی - موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.

- اکاتی، فریده و عطاالله سنجولی (۱۳۹۷). «نمود استمراری در زبان فارسی براساس نظریه پیش نمونگی». *زبان پژوهی*. دوره ۱۰. شماره ۲۹. صص ۲۱۹-۲۴۱.
- جمال‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۹۲). *تلخ و شیرین*. چ ۴. تهران: سخن.
- خیام پور، عبدالرسول (۱۳۹۷). *دستور زبان فارسی*. ویراسته اسداله واحد و محمدعلی موسی زاده. ج ۱. تبریز: آیدین.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۶۷). «ساخت‌های سببی در زبان فارسی». *زبان‌شناسی*. دوره ۵. شماره ۱. صص ۱۳-۷۵
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات الفاظ القرآن*. چ ۱. بیروت: دارالشامیه.
- روینچیچک، یوری آرونوویچ (۱۳۹۱). *دستور زبان ادبی معاصر فارسی*. ترجمه مریم شفق. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زاهدی، کیوان و ساحل خوشبخت قهفرخی (۱۳۸۹). «شمایل‌های سببی در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. دوره ۵. شماره ۱. صص ۱۳۱-۱۵۴.
- سالم، مریم. محمد سعیدی مهر و رضا اکبریان (۱۳۸۹). «تحلیل معنایی علیت در فلسفه ارسطو و ابن سینا». *حکمت سینوی*. دوره ۱۴. شماره ۴۴. صص ۱۱۴-۱۲۹.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۹). *فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا*. چ ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علوی، بزرگ (۱۳۹۹). *چشم‌هایش*. چ ۵۲. تهران: نگاه.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵). *القاموس المحيط*. چ ۱. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- گلفام، ارسلان (۱۳۹۰). *اصول دستور زبان*. چ ۴. تهران: سمت.
- محتشمی، بهمن (۱۳۷۰). *دستور کامل زبان فارسی*. چ ۱. تهران: اشراقی.
- مقرب، مصطفی (۱۳۷۵). *هژده گفتار*. چ ۱. تهران: توس.
- ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹). *فرهنگ اصطلاحات اصول*. چ ۱. قم: عالمه.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۸). *دستور زبان فارسی*. چ ۱۸. تهران: توس.
- نوبهار، مهرانگیز (۱۳۸۹). *دستور کاربردی زبان فارسی*. چ ۱. تهران: رهنما.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۴). «جمله‌های شرطی در زبان فارسی». *زبان‌شناسی*. دوره ۲. شماره ۲. صص ۴۳-۵۶.

References

- Alawi, B. (2020). *His eyes*, Tehran: Negah [In Persian].
- Azdi, A. (2008). *Book of water*. Tehran: University of Medical Sciences - Institute of Medical History, Islamic and Complementary Medicine [In Persian].
- Dabir Moghaddam, M. (1988). *Causal constructions in Persian language*. Linguistics, 5 (1), 13-75. [In Persian].
- Firoozabadi, M. (1995). *Dictionary of the environment*. Beirut: Scientific Library [In Persian].

- Gulfam, A. (2011). *Principles of grammar*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Ibn Manzoor, M. (1994). *Arabic language*. Beirut: Dar Sader [In Persian].
- Ibn Rasul, M., Kazemi Najafabadi, S., & Kazemi, M. (2016). Semantic relationship between base and follower sentences in Persian conditional sentences. *Persian Literature*, 6 (1), 93-112 [In Persian].
- Ibn Seiedeh, A. (2001). *The strong and the great environment*. Beirut: Scientific Library [In Persian].
- Jamalzadeh, M. (2000). *Bitter and sweet*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Khayyampour, A. (2018). *Persian grammar*. Report and editing by Asadullah Vahed and Mohammad Ali Musazadeh. Tabriz: Aydin [In Persian].
- Maleki Esfahani, M. (2018). *Glossary of Principles*. Qom: The World [In Persian].
- Mogharrebi, M. (1996). *Eighteen speeches*. Tehran: Toos. [In Persian].
- Mohtashemi, B. (1991). *Complete Persian language grammar*. Tehran: Ishraqi [In Persian].
- Natel Khanlari, P. (2009). *Persian grammar*. Tehran: Toos [In Persian].
- Nobahar M. (2010). *Practical grammar of Persian language*. Tehran: Rahnam. [In Persian]
- Okati, F. Sanchuli, A. (2018). The imperfect aspect in Persian based on the prototype theory. *Journal of Language Research*, 10 (29), 219-241. [In Persian].
- Okhovvat, M. (1948). Red apple. *New Message*, 2 (5), 1-7 [In Persian].
- Ragheb Esfahani, H. (1992). *Vocabulary of Quranic words*. Beirut: Dar al-Qalam [In Persian].
- Rubinchik, Y. (2001). Contemporary Persian literary grammar. (M. Shafaghi, Trans.) Tehran: Islamic Sciences and Culture Academy [In Persian].
- Sajjadi, J. (2000). *Dictionary of Mulla Sadr philosophical terms*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance [In Persian].
- Salem, M., Saeidi mehr, M., & Akbarian, R. (1389). Semantic analysis of causality in the philosophy of Aristotle and Avicenna. *Hekmat Sinavi*, 14 (44), 114-129 [In Persian].
- Taylor, J. R. (2002). *Cognitive grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Vahidian Kamyar, T. (1985). *Conditional sentences in Persian*. *Linguistics*, 2 (2), 43-56 [In Persian].
- Zahedi, K. Khosbakht Qahfarkhi, S. (1389). Causative icons in Persian language. *Comparative Language and Literature Researches*, 5 (1), 131-154 [In Persian].
- Апресян Ю. Д. (1969). *Синтаксис и семантика в синтаксическом описании // Единицы разных уровней грамматического строя и их взаимодействие*. Москва: Наука. С. 32-36.
- Арутюнова Н. Д. (1976). *Предложение и его смысл (логико-семантические проблемы)*. Москва: Наука.
- Беднарская, Л. Д. (1983). *Изменения в семантике и структуре сложноподчиненного предложения условного типа в языке русской художественной прозы с 20–30-х годов XIX века до 80-х годов XX века: дис. ... канд. филол. наук / Л. Д. Беднарская*. Орел. С. 56.
- Белошапкина В. А. (1977). *Современный русский язык. Синтаксис*. Москва: Высшая школа.
- Бондарко, А.В. (1996). *Теория функциональной грамматики: Локативность, бытийность, поссесивность, обусловленность*. Санкт-Петербург:

Наука.

Волгина Н. С. (1973). *Синтаксис современного русского языка*. Москва: Филологический факультет СПбГУ.

Галкина-Федорук Е. М. (1939). *Наречие в современном русском языке*. Москва: ИФЛИ.

Давыдов, И. И. (1853). *Опыт общесравнительной грамматики русского языка*. Санкт-Петербург: Тип. Имп. акад. Наук.

Земскова, Л. П. (1991). *Предложения с каузальными ситуациями в современном русском языке (на материале философской литературы)*. автореф. дис. ... канд. филол. наук / Л. П. Земскова. Воронеж. С. 15–16.

Крючков С. Е., Максимов Л. Ю. 1969. *Современный русский язык. Синтаксис сложного предложения*. 1-е изд. Москва: Просвещение.



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).